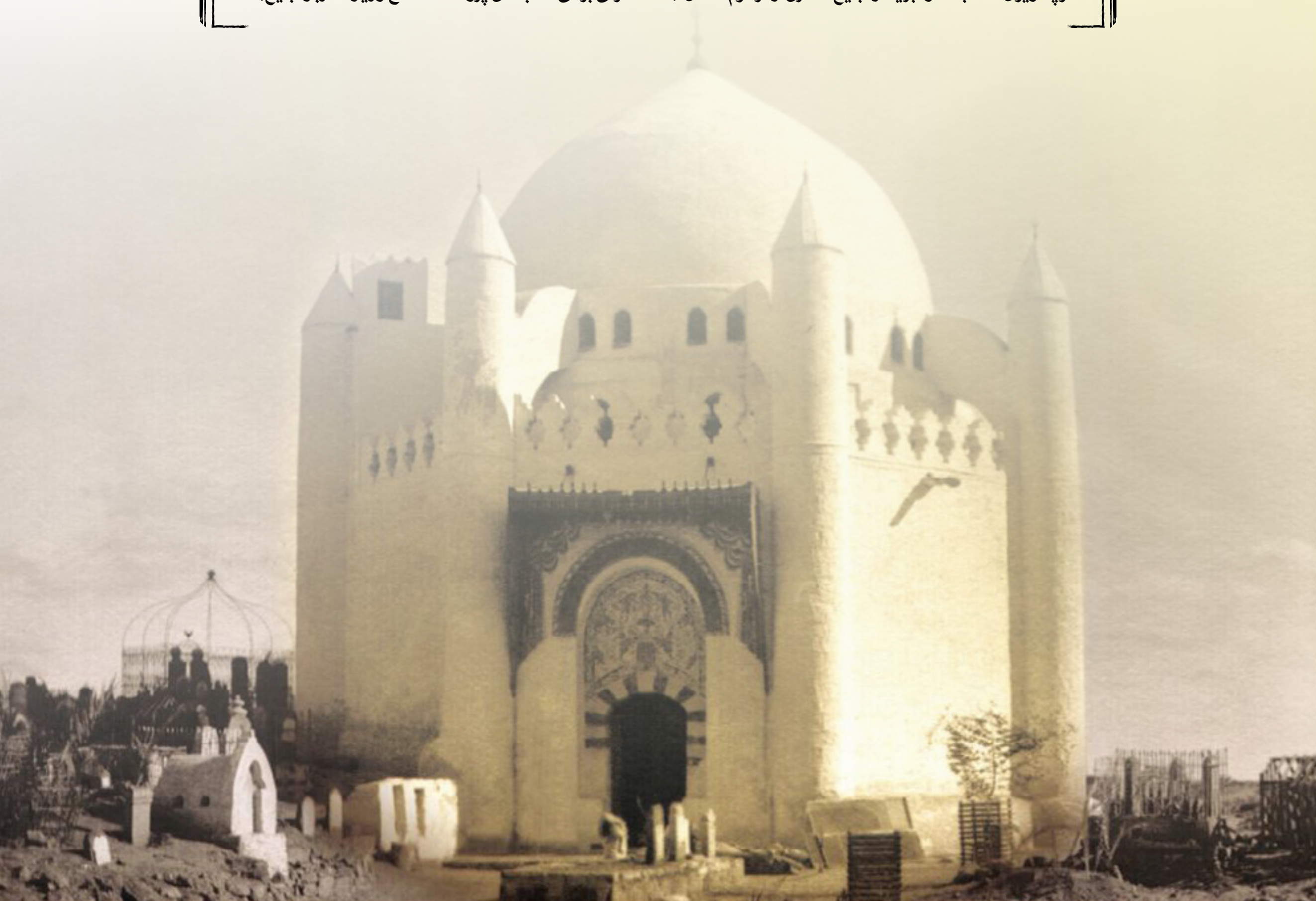


نشریه پیام حج، ویژه حجاج بیت الله الحرام، سال دوم، شماره یازدهم، اردیبهشت ۱۴۰۰ ه.ش، شوال ۱۴۴۲ ه.ق، ۱۴ صفحه، به مناسبت هشتم شوال، سالروز تخریب بقیع



آشنایی با بقیع | ۳، دفن شدگان در بقیع | ۴، بررسی مشروعیت ساخت بنا بر روی قبور، قسمت اول | ۷، برشی از تاریخ... | ۸
هجوم وهابیان به طائف، مکه مکرمه و مدینه منوره | ۹، ای بقیع، ای گنجینه دار فریاد | ۱۰، نمای ماندگار | ۱۱
گرچه ویران شد، جلال و کبریا دارد بقیع (شعری از مرحوم حسان) | ۱۲، معرفی برخی کتاب‌های پژوهشکده حج و زیارت درباره بقیع | ۱۳





بازدید رهبرانقلاب از نمایشگاه عکس ویژه حج و مشاهده تصاویر بقاع متبرکه بقیع قبل از تخریب توسط وهابیون؛
در حاشیه دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۴/۵/۳۱

تلخی دیگری* که وجود دارد، این است که در میان مجموعه مسلمانان و امت اسلامی کسانی پیدا شوند که با افکار پلید و متحجر و عقب مانده و خرافی خود، تجلیل از بزرگان و برجستگان و چهره‌های نورانی صدر اسلام را شرک بدانند، کفر بدانند؛ واقعاً این مصیبتی است. این‌ها همان کسانی هستند که گذشتگانشان قبور ائمه علیهم‌السلام را در بقیع ویران کردند. آن روز که در دنیای اسلام، از شبه‌قاره هند گرفته تا آفریقا، علیه این‌ها قیام کردند، اگر این‌ها جرأت می‌کردند، قبر مطهر پیغمبر را هم ویران می‌کردند، با خاک یکسان می‌کردند. ببینید چه فکر باطلی، چه روحیه پلیدی، چه انسان‌های بداندیشی، احترام به بزرگان را اینجوری بخواهند نقض کنند و هتک کنند و این را جزو وظائف دینی بشمرند! در آن وقتی که این‌ها بقیع را ویران کردند، این را بدانید؛ سرتاسر دنیای اسلام علیه این‌ها اعتراض کرد. عرض کردم؛ از شرق جغرافیای اسلام - از هند - تا غرب جغرافیای اسلام، علیه این‌ها بسیج شدند. این‌ها به عنوان اینکه این کارها پرستش است، این اقدام‌های خبیث را می‌کنند! رفتن سر قبر یک انسانی و طلب رحمت کردن برای او از خدای متعال، و طلب رحمت کردن برای خود در آن فضای معنوی و روحانی، شرک است؟ شرک این است که انسان بشود ابزار دست سیاست‌های اینتلیجنس انگلیس و سی. آی. ای آمریکا و با این اعمال، دل مسلمانان را غمدار کند، آزرده کند. این‌ها اطاعت و عبودیت و خاکساری در مقابل طواغیت زنده را شرک نمی‌دانند، احترام به بزرگان را شرک میدانند! خود این، یک مصیبتی است. جریان تکفیری خبیث که امروز در دنیای اسلام به برکت برخی از منابع مادی، متأسفانه پول و امکانات هم در اختیار دارند، یکی از مصائب اسلام است.

* در اردیبهشت ماه ۱۳۹۲، گروه موسوم به «ارتش آزاد سوریه» از مخالفین مسلح حاضر در جنگ‌ها و درگیری‌های سوریه اعلام نمود: مقبره‌ی حجر بن عدی به نماد شرک به خدا تبدیل شده بود و به همین علت افراد مسلح وابسته به ارتش آزاد آن را ویران کرده‌اند.

بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۳۹۲/۲/۱۶

آشنایی با بقیع

مدینه شهر پیامبر ﷺ است و خاطرات شنیدنی و جاهای دیدنی و اماکن تاریخی بسیار دارد. یکی از این مکان‌ها قبرستان «بقیع» است، که هزاران خاطره با خود دارد و یادآور بسیاری از صحابه بزرگ و فداکاری‌ها و صبوری‌های آنان در راه اسلام است.

بقیع، گرچه خاموش و بی‌چراغ است، اما مدفن هزاران ستاره نورانی است و سینه پررمز و راز این وادی مظلوم، هزاران راز نهفته و خاطرات شنیدنی دارد و دل‌های خسته و دردمند را میهمان غم‌های خویش می‌سازد و نسیمی که در فضای آن می‌وزد، عطر یاد امامان معصوم علیهم‌السلام و شهیدان گمنام را از ورای دورترین قرن‌ها به مشام زائران امروز می‌رساند.

پیامبر خدا ﷺ برای این قبرستان احترامی ویژه قائل بود. برخی شب‌ها به تنهایی به زیارت آن می‌رفت و در آنجا با خدای خویش راز و نیاز می‌کرد و بر مدفونین این دیار، سلام و درود می‌فرستاد و از خدا برای آنان طلب رحمت می‌کرد.

اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بارها دیده بودند که آن حضرت به زیارت قبور مدفونان بقیع می‌رود و برای به خاک آرمیدگان این مزار، از خداوند طلب مغفرت می‌کند.

قبرستان بقیع، حرم اهل بیت و آرامگاه خاندان و صحابه پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

بقیع، وسط شهر مدینه و کنار مسجدالنبی واقع شده و فاصله ورودی اصلی آن با گنبد سبز ۲۰۰ متر است. با وجود روشنایی مسجدالنبی، این مکان شب‌های بسیار غریبانه و تاریکی دارد.

بقیع شکل هندسی منظمی ندارد. طول آن حدود ۵۵۰ متر و عرضش ۳۰۰ متر است.

بقیع، در گذشته نه‌چندان دور، قبرستان کوچکی بود. اما امروزه گسترش یافته است؛ به گونه‌ای که پیشتر قبر عثمان بن عفان در حُش کُکب و بیرون بقیع قرار داشت، ولی اکنون وسط قبرستان بقیع واقع است.

بقیع با دیوارهای بلندی که در آن‌ها نرده‌های بزرگ فلزی به کار رفته، محصور شده و یک درب اصلی دارد. ورودی آن نیز از سطح زمین بالاتر است. در حال حاضر بقیع در دو نوبت صبح و عصر برای زیارت آقایان باز می‌شود. ولی خانم‌ها اجازه ورود به بقیع را ندارند و فقط می‌توانند از پشت نرده‌ها زیارت کنند. قبور بقیع لوح ندارند، ولی مرد یا زن بودن صاحب قبر مشخص است، به گونه‌ای که اگر فقط یک سنگ در بالای قبر قرار داده شده باشد، صاحب آن، مرد، و اگر یک سنگ در بالا و یک سنگ در پایین باشد، صاحب آن زن است.

تازمانی که ترک‌های عثمانی بر این سرزمین حکمرانی می‌کردند، قبور ائمه همسران و عمه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و... دارای بارگاه بودند. اما آن‌گاه که وهابی‌ها روی کار آمدند، آن‌ها را خراب کردند. پس از تخریب بارگاه‌ها، از آنها تنها دیوارهایی قدیمی و کوتا به جا مانده است.



دفن شدگان در بقیع

سال چهارم هجرت در شهر مدینه منوره دیده از جهان فرو بست. پیامبر ﷺ بر جنازه اش نماز گزارد و در حالی که بروی می‌گریست، او را در قبر نهاد.

دختران پیامبر ﷺ

در قسمت دیگری از قبرستان بقیع، سه تن از دختران و به قولی از فرزندخواندگان پیامبر ﷺ به نام‌های زینب، ام‌کلثوم و رقیه در یک قسمت مشخص مدفون‌اند.

همسران پیامبر

به جز خدیجه کبرا ﷺ که در مکه و قبرستان حجون دفن شده، تعدادی از همسران حضرت در بقیع مدفون‌اند که البته همه آنان در مکان معروف دفن نشده‌اند. اسامی آنان عبارت است از:

ام سلمه:

وی و همسرش ابوسلمه، از نخستین گروندگان به اسلام بودند. ابوسلمه در جنگ احد مجروح و پس از مدتی به شهادت رسید. سپس با پیامبر ﷺ ازدواج کرد. در سال ۶۰ هـ. ق بدرود حیات گفت.

زینب بنت جحش:

وی ابتدا به عقد زید بن حارثه درآمد. در سال پنجم هجری از او جدا شد و با پیامبر ﷺ ازدواج کرد و سرانجام در سال ۲۰ هـ. ق در سن پنجاه سالگی درگذشت.

ماریه قبطیه:

وی دختر شمعون قبطیه و مادر ابراهیم، پسر پیامبر ﷺ است. وی در سال ۱۶ ق. در

۹۴ هـ. ق کنار پدر بزرگوارش زندگی کرد. پس از شهادت پدر، رهبری را در دست گرفت. آن حضرت را باقرالعلوم، یعنی شکافنده دانش‌ها لقب دادند. امام باقر ﷺ در سال ۱۱۴ هـ. ق به تحریک هشام بن عبدالملک به شهادت رسید و کنار پدر بزرگوارش در بقیع به خاک سپرده شد.

۴- امام صادق ﷺ

امام جعفر بن محمد ﷺ امام ششم شیعیان در سال ۸۳ ق. به دنیا آمد و پس از شهادت پدر، رهبری پیروان اهل بیت ﷺ را بر عهده گرفت و در دوران حیات پربار خود، هزاران شاگرد را در رشته‌ها و علوم مختلف تربیت کرد. منصور، دومین خلیفه عباسی بر آن حضرت سخت گرفت و سرانجام در ۲۵ شوال ۱۴۸ هـ. ق آن حضرت را مسموم کرد و به شهادت رساند و حضرت در بقیع، کنار جد و پدرش دفن شد.

عباس بن عبدالمطلب:

وی عموی پیامبر ﷺ و از شخصیت‌های بزرگ قریش بود که سه سال قبل از عام الفیل در مکه متولد شد. وی در سال ۳۲ هـ. ق در مدینه درگذشت.

فاطمه بنت اسد:

او همسر ابوطالب و مادر امام علی ﷺ و از نخستین بیعت‌کنندگان با پیامبر ﷺ بود. وی از آن چنان قداستی برخوردار گردید که به درون کعبه راه یافت و فرزندش علی بن ابیطالب ﷺ را در آنجا به دنیا آورد. سرانجام

از درب اصلی بقیع که وارد می‌شویم، سمت راست ما، قبرهای مطهر چهار امام معصوم ﷺ در یک قسمت مشخص دیده می‌شود. در آن قسمت افراد دیگری نیز مدفون هستند:

۱- امام حسن مجتبی ﷺ

امام حسن ﷺ امام دوم شیعیان، فرزند امیرمؤمنان علی ﷺ در نیمه رمضان سال سوم هجرت، در مدینه زاده شد. در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان شرکت کرد و پس از شهادت پدر بزرگوارش، به امامت منصوب و حدود شش ماه خلافت کرد تا اینکه معاویه جنگی را بر آن حضرت تحمیل نمود. مردم نیز ایشان را تنها گذاشتند و به تحریک معاویه بن ابی‌سفیان، در سال ۵۰ هـ. ق به دست همسرش جعد، دختر اشعث بن قیس، مسموم شد و به شهادت رسید.

۲- امام سجاد ﷺ

امام زین العابدین علی بن حسین ﷺ امام چهارم شیعیان، در سال ۳۸ ق. به دنیا آمد. در کربلا همراه پدر بود، اما به دلیل بیماری نتوانست سلاح به دست گیرد و بجنگد. از این رو آن حضرت را با اسیران دیگر به شام بردند و از آن پس، نزدیک ۳۴ سال امامت کرد و سرانجام در سال ۹۴ هـ. ق به تحریک ولید بن عبدالملک مسموم شد و به شهادت رسید و کنار امام مجتبی ﷺ در بقیع آرمید.

۳- امام باقر ﷺ

امام محمد بن علی ﷺ امام پنجم شیعیان، در سال ۵۸ هـ. ق به دنیا آمد و تا سال

مدینه درگذشت.

زینب بنت خزیمه

وی همسر یکی از صحابه پیامبر ﷺ بود که پس از شهادت او به عقد آن حضرت درآمد. به خاطر عطوفت و مهربانی با مساکین، به ام‌المساکین لقب یافت. سرانجام درحالی که بیش از سی سال نداشت، در سال چهارم هجرت بدرود حیات گفت.

عایشه دختر ابوبکر:

وی در سال چهارم بعثت به دنیا آمد و سه سال پس از وفات حضرت خدیجه، با پیامبر ﷺ ازدواج کرد و در سال ۵۷ یا ۵۸ هـ ق درگذشت.

حفصه دختر عمر بن خطاب:

او پنج سال قبل از بعثت زاده شد، با خنیس بن حذافه ازدواج کرد و پس از درگذشت او، به عقد پیامبر ﷺ درآمد. بنا به گفته واقدی، وی در سال ۴۵ هـ ق در مدینه از دنیا رفت.

ام حبیبه دختر ابوسفیان:

ام حبیبه پس از مرگ همسرش عبدالله بن جحش، به عقد پیامبر ﷺ درآمد و در سال ۴۲ یا ۴۴ هـ ق در مدینه درگذشت.

جویریة بنت حارث:

پدرش حارث بن ضرار خزاعی، رئیس قبیله بنی‌المصطلق بود. وی در سال ۵ یا ۶ هـ ق پس از غزوه بنی‌المصطلق به ازدواج پیامبر ﷺ درآمد و در سال ۵۰ هـ ق در مدینه وفات یافت.

صفیه:

او دختر حیی بن اخطب، همسر ابوعبید سالم بن مشکم یهودی بود که پس از مرگ او به عقد کنانه بن ربیع یهودی درآمد و بعد از کشته شدن وی در جنگ خیبر، پیامبر ﷺ او را آزاد و سپس با وی ازدواج کرد. وی در سال ۵۰ یا ۵۲ هـ ق در مدینه وفات یافت.

سوده بنت زمعه:

وی همسر سکران بن عمرو بود که پس از سکران به عقد

پیامبر ﷺ در آمد. وی در سال

۵۴ هـ ق در مدینه وفات یافت.

ریحانه بنت زید:

وی دختر زید بن عمرو بن خنافه از طایفه بنی‌نضیر بود که پس از اسارت توسط پیامبر ﷺ آزاد شد و در سال ۶ هـ ق با حضرت ازدواج کرد. وی هنگام بازگشت از حجة‌الوداع درگذشت و در بقیع دفن شد.

دو قبر منسوب به عقیل بن

ابی طالب و عبدالله بن جعفر

عقیل بن ابی‌طالب عقیل، برادر امیرمؤمنان علی ﷺ بود و در راه گسترش اسلام فداکاری‌های بسیاری از خود نشان داد. سپس در دوران پیری نابینا شد و قبل از واقعه حره درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد. البته بنا بر قولی، در سفر شام درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد.

عبدالله بن جعفر مادرش اسماء بنت عمیس بود. وی هنگام هجرت جعفر به حبشه، در آنجا به دنیا آمد. در جنگ موته پدر را از دست داد. علی ﷺ زینب کبرا ﷺ را به ازدواج وی در آورد. او در جنگ صفین حضور داشت و سال ۸۰ هـ ق در سن ۹۰ سالگی در مدینه در گذشت.

عمه‌های پیامبر ﷺ و مادر حضرت ابوالفضل ﷺ علمدار کربلا

صفیه بنت عبدالمطلب:

وی همسر عوام بن خویلد و مادر زبیر بود. در نبرد احد با گروه زنانی بود که به سوی احد آمدند و بر شهادت حمزه ﷺ مرثیه‌سرایی کردند. وی سرانجام در سال ۲۰ ق. درحالی که ۷۵ ساله بود، بدرود حیات گفت.

عاتکه بنت عبدالمطلب:

در برخی نقل‌ها آمده است که عاتکه پس از آمدن به مدینه، در این شهر وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد.

ام البنین:

وی دختر حذام بن خالد بود که به همسری علی بن ابیطالب ﷺ درآمد و چهار پسر از آن حضرت به نام‌های عباس، جعفر، عثمان و عبدالله ﷺ به دنیا آورد که همگی همراه با حسین بن علی ﷺ در کربلا به شهادت رسیدند.

دیگر مدفونین در بقیع

نافع شیخ‌القرآ:

نافع یکی از قاریان هفتگانه بود که حدود ۷۰ سال برای مردم مدینه قرآن خواند. وی در سال ۱۶۹ هـ ق در مدینه وفات کرد.

مالک بن انس مالک:

از ائمه چهارگانه اهل سنت و پیشوای مالکی‌ها بود. وی در سال ۱۷۹ هـ ق در مدینه وفات یافت.

ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ:

ابراهیم در مدینه از مادرش ماریه قبطیه متولد شد. پیامبر ﷺ به او علاقه بسیار داشت. وی در سال ۸ هـ ق به دنیا آمد و در سال ۱۰ هـ ق از دنیا رفت، به دستور آن حضرت، کنار قبر عثمان بن مظعون در بقیع به خاک سپرده شد. محل ولادت او به نام مادرش مشربه ام‌ابراهیم لقب گرفت که هم اکنون از آثار تاریخی مدینه به شمار می‌آید.

عثمان بن مظعون:

از صحابه بزرگ پیامبر ﷺ و سیزدهمین فردی بود که به آن حضرت ایمان آورد. در جنگ بدر شرکت کرد و پس از بازگشت در بیست و دومین ماه هجرت، درگذشت. او اولین فرد از مهاجرین بود که در مدینه وفات یافت و در بقیع دفن شد.

اسعد بن زراه:

از بیعت‌کنندگان با پیامبر ﷺ در عقبه و نخستین کسی بود که به دستور آن حضرت نماز جمعه را در مدینه اقامه کرد. وی در سال اول هجرت درگذشت. پیامبر ﷺ او را غسل داد، کفن پوشانید و درحالی که می‌گریست، در بقیع

دفن کرد.

تعدادی از شهدای احد:

تعدادی از زخمیان جنگ احد بعد از جنگ در مدینه درگذشتند و در این قسمت دفن شدند و تعدادی از شهدای واقعه حره نیز در این مکان مدفونند.

شهدای حره:

تعدادی از شهدای واقعه حره که در جنگ سپاهیان یزید با مردم مدینه بعد از واقعه عاشورا اتفاق افتاد در قبرستان بقیع دفن شده‌اند. این واقعه به دستور یزید و با فرماندهی مسلم بن عقبه و به دست سربازان شام اتفاق افتاد.

اسماعیل بن جعفر ﷺ:

اسماعیل فرزند امام صادق ﷺ و مادرش، فاطمه، دختر حسین بن حسن بن علی بن ابیطالب ﷺ بود. وی با اهل و عیال خود در منطقه عریض به سر می‌برد و سرانجام در دوران حیات پدر بزرگوارش در سال ۱۳۸ یا ۱۴۵ هـ ق زندگی را بدرود گفت و در فاصله حدود ۱۵ متری قبور ائمه ﷺ، در بقیع به خاک سپرده شد. پس از احداث خیابان اباذر، قبر اسماعیل به داخل بقیع منتقل شد.

عثمان بن عفان خلیفه سوم

حلیمه سعدیه:

وی مادر رضاعی پیامبر ﷺ بود.

ابوسعید خدری:

از صحابه پیامبر ﷺ بود. وی در جنگ احد شرکت کرد و دارای دو خصلت علم و شجاعت بود. پس از رحلت پیامبر ﷺ از راویان مناقب اهل بیت ﷺ بود و در سال ۶۴ یا ۷۴ هـ ق در مدینه وفات یافت.

غیر از قبوری که مشخص‌اند، بزرگان دیگری مانند آیت الله شیخ عمروی، بزرگ شیعیان عربستان در قبرستان بقیع دفن شده‌اند. گروه دیگری نیز به طور گمنام در بقیع آرمیده‌اند که اسم آن‌ها در تاریخ آمده است.

دفن شهدای در بقیع
۱. امامان معصوم علیهم السلام و ...
۱-۱. امام حسن مجتبی علیه السلام
۲-۱. امام سجاد علیه السلام
۳-۱. امام باقر علیه السلام
۴-۱. امام صادق علیه السلام
۵-۱. عباس بن عبدالمطلب
۶-۱. فاطمه بنت اسد
۲. قبور دختران پیامبر علیهم السلام
۳. همسران پیامبر علیهم السلام
۱-۲. ام سلمه

۲-۳. زینب بنت جحش
۳-۳. ماریه قبطیه
۴-۳. زینب بنت خزیمه
۵-۳. عائشه دختر ابوبکر
۶-۳. خنصه دختر عمر بن خطاب
۷-۳. ام حبیبه دختر ابوسفیان
۸-۳. خوربه بنت حارث
۹-۳. صفیه
۱۰-۳. سؤده بنت زومه
۱۱-۳. ریحانه بنت زید
۱-۴. عقیل بن ابی طالب
۲-۴. عبدالله بن جعفر
۵. عمه‌های پیامبر علیهم السلام و ...
۱-۵. صفیه بنت عبدالمطلب
۲-۵. عاتکه بنت عبدالمطلب
۳-۵. ام البنین
۴-۵. زینب بنت جحش
۱-۶. زینب بنت علی
۲-۶. علی بن ابی طالب
۳-۶. ام کلثوم
۴-۶. ام سلمه
۵-۶. ام حبیبه
۶-۶. ام کلثوم
۷-۶. ام سلمه
۸-۶. ام کلثوم
۹-۶. ام سلمه
۱۰-۶. ام کلثوم
۱۱-۶. ام سلمه

۱. امامان معصوم علیهم السلام و ...
۲. قبور دختران پیامبر علیهم السلام
۳. همسران پیامبر علیهم السلام
۴. ام سلمه
۵. عائشه دختر ابوبکر
۶. خنصه دختر عمر بن خطاب
۷. ام حبیبه دختر ابوسفیان
۸. خوربه بنت حارث
۹. صفیه
۱۰. سؤده بنت زومه
۱۱. ریحانه بنت زید
۱۲. عقیل بن ابی طالب
۱۳. عبدالله بن جعفر
۱۴. عمه‌های پیامبر علیهم السلام و ...
۱۵. صفیه بنت عبدالمطلب
۱۶. عاتکه بنت عبدالمطلب
۱۷. ام البنین
۱۸. زینب بنت جحش
۱۹. علی بن ابی طالب
۲۰. ام کلثوم
۲۱. ام سلمه
۲۲. ام حبیبه
۲۳. ام کلثوم
۲۴. ام سلمه
۲۵. ام کلثوم
۲۶. ام سلمه
۲۷. ام کلثوم
۲۸. ام سلمه
۲۹. ام کلثوم
۳۰. ام سلمه
۳۱. ام کلثوم
۳۲. ام سلمه
۳۳. ام کلثوم
۳۴. ام سلمه
۳۵. ام کلثوم
۳۶. ام سلمه
۳۷. ام کلثوم
۳۸. ام سلمه
۳۹. ام کلثوم
۴۰. ام سلمه
۴۱. ام کلثوم
۴۲. ام سلمه
۴۳. ام کلثوم
۴۴. ام سلمه
۴۵. ام کلثوم
۴۶. ام سلمه
۴۷. ام کلثوم
۴۸. ام سلمه
۴۹. ام کلثوم
۵۰. ام سلمه
۵۱. ام کلثوم
۵۲. ام سلمه
۵۳. ام کلثوم
۵۴. ام سلمه
۵۵. ام کلثوم
۵۶. ام سلمه
۵۷. ام کلثوم
۵۸. ام سلمه
۵۹. ام کلثوم
۶۰. ام سلمه
۶۱. ام کلثوم
۶۲. ام سلمه
۶۳. ام کلثوم
۶۴. ام سلمه
۶۵. ام کلثوم
۶۶. ام سلمه
۶۷. ام کلثوم
۶۸. ام سلمه
۶۹. ام کلثوم
۷۰. ام سلمه
۷۱. ام کلثوم
۷۲. ام سلمه
۷۳. ام کلثوم
۷۴. ام سلمه
۷۵. ام کلثوم
۷۶. ام سلمه
۷۷. ام کلثوم
۷۸. ام سلمه
۷۹. ام کلثوم
۸۰. ام سلمه
۸۱. ام کلثوم
۸۲. ام سلمه
۸۳. ام کلثوم
۸۴. ام سلمه
۸۵. ام کلثوم
۸۶. ام سلمه
۸۷. ام کلثوم
۸۸. ام سلمه
۸۹. ام کلثوم
۹۰. ام سلمه
۹۱. ام کلثوم
۹۲. ام سلمه
۹۳. ام کلثوم
۹۴. ام سلمه
۹۵. ام کلثوم
۹۶. ام سلمه
۹۷. ام کلثوم
۹۸. ام سلمه
۹۹. ام کلثوم
۱۰۰. ام سلمه

نقشه قبور آرامگاه بقیع (جنت البقیع)
حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

بررسی مشروعیت ساخت بنا بر روی قبور، قسمت اول

است، بی آن که کوچک‌ترین ابهامی در زندگی آن بزرگ‌مرد مشاهده گردد. حتی خانه‌ای که او در آن متولد شده مشخص است و این کوه حرا است که وحی در آنجا بر او نازل می‌گردد و این مسجد او است که در آن نماز می‌گزارد و این خانه‌ای است که در آنجا به خاک سپرده شد و اینها خانه‌های فرزندان و همسران و بستگان او است و این قبور فرزندان و اوصیا و خلفا و همسران او می‌باشد و.... اکنون اگر همه این آثار وجود و نشانه‌های اصالت او را از بین برده‌ایم و زمینه را برای دشمنان اسلام آماده ساخته‌ایم. بنابراین ویران کردن آثار رسالت و خاندان عصمت، علاوه بر این که نوعی هتک و بی‌احترامی است، مبارزه با مظاهر اصالت اسلام و اصالت رسالت پیامبر نیز می‌باشد. آیین اسلام، آیین ابدی و جاودانی است و تا روز قیامت آیین هدایت برای انسان‌ها می‌باشد. نسل‌هایی که پس از هزاران سال می‌آیند، باید به اصالت آن، اذعان کنند. لذا برای تأمین این هدف، باید پیوسته تمام آثار و نشانه‌های صاحب رسالت را حفظ کنیم و از این طریق گامی در راه بقای دین در اعصار آینده برداریم و کاری نکنیم که نبوت پیامبر اسلام ﷺ به سرنوشت آیین حضرت عیسی ﷺ دچار گردد.

برگرفته از کتاب «گزیده راهنمای حقیقت»،
آیت‌الله جعفر سبحانی، ص ۸۳-۹۰

واقعی ملاموس از مسیح در دست نیست؛ مثلاً به طور مشخص، نقطه‌ای که حضرت در آن متولد گردید و خانه‌ای که زندگی کرد و جایی که در آن به عقیده نصاری به خاک سپرده شد، معلوم و روشن نیست. کتاب آسمانی او نیز دستخوش تحریف گردیده و این اناجیل چهارگانه، که در آخر هر کدام جریان قتل و دفن عیسی آمده است، به طور مسلم مربوط به او نیست و بی‌تردید پس از وی تدوین شده‌اند. از این جهت بسیاری از محققان آن‌ها را از آثار ادبی قرن



دوم میلادی دانسته‌اند. ولی اگر تمام خصوصیات مربوط به او محفوظ می‌ماند، به روشنی بر اصالت او گواهی می‌داد و برای این خیالبافان و شکاکان، جای تشکیک باقی نمی‌گذارد. ولی مسلمانان آشکارا خطاب به مردم جهان می‌گویند: هزار و چهارصد سال قبل در سرزمین حجاز مردی برای رهبری جامعه بشری برانگیخته شد و در این راه موفقیت بزرگی به دست آورد؛ و تمام خصوصیات زندگی او محفوظ

مسلمانان نه تنها خدشه‌ای بر این بناها وارد نکردند، بلکه در تعمیر و نوسازی آنها و گماردن افرادی برای خدمت و حفاظت، اهتمام ورزیدند. ۲- حفظ آثار، حفظ اصالت‌ها و مانع تحریف‌ها است. یکی از آثار مهم در حفظ آثار، به خصوص آثار پیامبر گرامی ﷺ مانند مدفن وی و قبر همسران و فرزندان و صحابه و یاران او و خانه‌هایی که در آنجا زندگی کرده و مساجدی که در آنها نماز گزارده‌اند صیانت از عدم تحریف و انحراف است.

مسلمانان نه تنها خدشه‌ای بر این بناها وارد نکردند، بلکه در تعمیر و نوسازی آنها و گماردن افرادی برای خدمت و حفاظت، اهتمام ورزیدند. ۲- حفظ آثار، حفظ اصالت‌ها و مانع تحریف‌ها است. یکی از آثار مهم در حفظ آثار، به خصوص آثار پیامبر گرامی ﷺ مانند مدفن وی و قبر همسران و فرزندان و صحابه و یاران او و خانه‌هایی که در آنجا زندگی کرده و مساجدی که در آنها نماز گزارده‌اند صیانت از عدم تحریف و انحراف است.

یکی از مسائل مهم تاریخ اسلام حفظ و صیانت از قبور و بارگاه پاکان و بزرگان دین و شریعت است که متأسفانه با حضور فرقه وهابیت با چالش مواجه شده و موجب موضع‌گیری‌های مختلفی در جهان اسلام و غیر آن داشته است. بهانه عدم جواز و مشروعیت، موجب تخریب اماکن مقدسی گردیده که نه تنها قداست آن برای مسلمانان مهم ارزشمند بوده است بلکه به عنوان یک سند تاریخی محسوب می‌شده است.

تخریب اماکن قبرستان بقیع جایگاه چهار امام معصوم علیهم‌السلام، قبرستان معلاة مدفن اجداد و همسر گرامی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مساجد و اماکن فراوانی که یادگار و تاریخ معتبری برای مسلمانان است از آن دسته است.

در خصوص مشروعیت دینی و عقلی ساخت بنا دلایل مختلفی وجود دارد که به بخشی از آن اشاره می‌کنیم:

۱- حفظ آثار پیامبران گذشته توسط مسلمانان

سیره سلف صالح در حفظ قبور پیامبران تاریخ، شاهد گویایی است که ساخت و حفظ بنا بر روی قبور اولیا و انبیا سنت دیرینه انسانی بوده و قبل از طلوع ستاره اسلام نیز بوده است. قبور انبیای بنی اسرائیل و غیره، همگی دارای بنا بوده است و روزی که مسلمانان این مناطق را در فلسطین و اردن و شام فتح کردند، در حفظ و صیانت آنها کوشیدند و تا به امروز به همان حالت باقی مانده است.

امروز پس از گذشت بیست قرن از میلاد مسیح، وجود مسیح صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مادر او مریم و کتاب او انجیل و یاران و حواریون او، در غرب به صورت افسانه تاریخی درآمد است که گروهی از شرق شناسان در وجود چنین مرد آسمانی، به نام مسیح که مادرش مریم و کتاب او انجیل است، تشکیک کرده و آن را افسانه‌ای به سان «مجنون عامری» و معشوق وی «لیلی»، تلقی می‌کنند که زاییده پندارها و اندیشه‌هاست، چرا؟ به همین دلیل است که یک اثر

برشی از تاریخ...

متن برخی اسناد تاریخی از واکنش‌هایی در ایران نسبت به تخریب بقیع*

سوم شهریور ۱۳۰۴ هـ. ش روزنامه ایران به نقل از بی‌سیم برلن خبر می‌دهد که وهابی‌ها شهر مدینه را بمباران کرده و به مسجدی که مقبره حضرت محمد ﷺ در آن واقع است خسارات سنگین زده‌اند.^۱

... پنجم شهریور ۱۳۰۴ ش. خبرگزاری رویتر اعلام می‌کند که از منابع موثق اطلاع حاصل شده است که وهابی‌ها به سمت مدینه حمله ور شده‌اند... بمباران شروع شده و در نتیجه خرابی‌های بسیاری وارد آمده، گنبد مسجد بزرگی که مدفن حضرت رسول ﷺ است آسیب دیده و مسجد حمزه عم حضرت پیغمبر خراب شده است.^۲ ... ۵ شهریور ۱۳۰۴ (صبح) آیت‌الله مدرس نیز با توجه به اینکه وی نماینده تهران در مجلس شورای ملی بود، پس از با خبر شدن از بمباران مدینه توسط وهابی‌ها با هدف پیگیری موضوع به دیدار رضاخان می‌رود. پس از آن دیدار ایشان می‌گوید:

بنده صبح خدمت آقای رئیس الوزراء بودم، این مسئله را که در روزنامه‌ها [چاپ شده بود]... اهمیت دادند فرمودند که به فوریت در صدد تحقیق برمی‌آیم که بینم واقعیت آن چیست و البته باید خیلی اهمیت داده شود البته حالا که در صدد تحقیق بر می‌آیند حقیقت بهتر کشف می‌شود.^۳

رضاخان نیز در همان روز در مجلس شورای ملی حاضر شد و خبر چاپ شده در روزنامه‌ها را برای نمایندگان خواند و پیشنهاد کرد: «در این موقع اگر صلاح بدانند از طرف مجلس کمیسیونی تشکیل شود که با موافقت نظر دولت بر این کار رسیدگی کنند.»^۴

به دنبال آن وزارت امور خارجه با ارسال تلگرام‌هایی به سفارتخانه‌های خود در قاهره، لندن و شام، با اشاره به خبر خبرگزاری رویتر از بمباران مدینه توسط وهابی‌ها، خواست صحت و سقم خبر و تفصیل [آن] را فوراً تلگراف کنند.^۵

... ششم شهریور ۱۳۰۴ ش با انعکاس خبر نگرانی بسیاری در میان علما و شیعیان به وجود می‌آید آیت‌الله شیخ جمال‌الدین نجفی اصفهانی^۶ از علمای اصفهانی ساکن تهران به وزارت امور خارجه نامه می‌نویسد^۷ و به شدت اظهار نگرانی می‌کند بخشی از نامه به این شرح است: ... ضمناً مصرع می‌شود که مسموع می‌شود، خدای نخواستند مدینه منوره [را] گلوله باران نموده و اطراف مرقد مطهر اعلی حضرت خاتم النبیین علیه آلاف الصلاة و سلام المصلین خرابی و اهانت وارد آورده‌اند این مصیبت عظمی قابل تحمل برای مسلمین نیست، خاصه برای دولت علیه ایران و أمناء محترم آن دولت علیه، همه مسلمین انتظار اهتمامات کامله آن دولت علیه را در این باب دارند و انتظار دارم از اهتمامات کامله و اقدامات مجدّانه خودتان احقر را مسبوق فرمایید والا موجب هیجان مسلمین و انقلاب خواهد شد.^۸

هشتم شهریور ۱۳۰۴ مرحوم آیت‌الله مدرس سخنان مهمی نیز در مجلس شورای ملی ایراد و سخن خود را با این پرسش آغاز کرد که ماهیت یک قوم و ملت به چیست؟ سپس خود در پاسخ گفت: قومیت یک قوم و ملیت یک ملت وابسته به «جامع» آن است، وی به نقش «جامع»، «میان‌دار» و «رهبر» قوم پرداخت و گفت بدون آن، افراد و گروه‌های یک ملت «کالجدار المنشعب» هستند. ترقی و تعالی هر قومی به این خواهد بود که جامع میان خودشان را نگاهداری کنند و به واسطه ترقی آن، جامعه ترقی کند سپس ایشان جامع ایران و دیگر ممالک مسلمان را اسلام دانست و گفت: امروز بهترین زمان برای برداشتن این پرچم است.^۹

... پس از سخنان آقای مدرس آقای شیخ علی اصفهانی که چندی است وارد تهران شده به منبر رفت و به همین مناسبت سخن‌راند. یکشنبه شب نیز علمای تهران در خانه امام جمعه خویی گرد آمدند و درباره خبر تهاجم وهابیان به اماکن متبرکه حجاز مشورت کردند.

روزنامه قانون هم خبر داد که عصر روز یکشنبه جمعیت زیادی در مسجد جامع گرد هم آمدند و به سخنان سیدعلی شوشتری در محکومیت اقدام وهابیان گوش دادند.^{۱۰}

۱. روزنامه ایران، سال نهم، ش ۱۸۹۰، ص ۲.
 ۲. روزنامه ایران، سال نهم، ش ۱۸۹۱، ص ۱.
 ۳. مدرس و پنج دوره تقنینیه، ج ۲، ص ۱۸۹.
 ۴. همان، ص ۱۹۰.
 ۵. اسناد وزارت امور خارجه، ۵۲-۱-۳۰-۱۳۰۴.
 ۶. حاج آقا جمال اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۵۴) برادر آیات آقای نجفی اصفهانی و آقا نورالله اصفهانی بود، وی درس آموزی علوم دینی را نزد پدر و برادرش آغاز و سپس در حوزه علمیه نجف اشرف کامل نمود... او را در عداد یاران سیاسی آیت‌الله سیدحسن مدرس دانسته‌اند که در مواضع گوناگون به مخالفت با اقدامات رضاخان پرداخت.
 ۷. کلیشه در صفحه ۲۸۳ روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۵.
 ۸. اسناد وزارت امور خارجه، ۵۵-۱-۳۰-۱۳۰۴؛ روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۵، ص ۲۸۴.
 ۹. روزنامه ایران، سال نهم، ش ۱۸۹۴، ص ۱ و ۲.
 ۱۰. روزنامه قانون، سال چهارم، ش ۴۷، ص ۲.
 ۱۱. همان، ش ۴۷.

* برگرفته از: مجله میقات حج دوره ۲۸، شماره ۱۱۲، شماره پیاپی ۱۱۲ تابستان ۱۳۹۹، ص ۸۱-۱۰۴، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی قاضی‌عسکر

هجوم وهابیان به طائف، مکه مکرمه و مدینه منوره

زیارت قبر مقدس پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ منع کردند. ولی جرأت تخریب قبه مطهر رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به خود ندادند^۳ و بر اثر ناامنی که فرقه‌ی وهابیه در حجاز به وجود آورده بود تا سال‌های متمادی راه «حج» به روی مسلمانان بسته بود.^۴ در سایر بلاد اسلامی نیز از این قبیل هجمه‌ها و قتل و غارت‌ها داشته‌اند و ما برای رعایت جانب اختصار از نقل آن‌ها خودداری می‌کنیم و طالبان اطلاع بیشتر را به مقدمه اول کتاب «کشف الارتیاب» تألیف علامه جلیل و مجاهد مرحوم سید محسن عاملی اعلی الله مقامه الشریف ارجاع می‌نماییم.

اهل مکه از وضع طائف و رفتار ددمنشانه آنان با اهل طائف باخبر شده بودند، توانایی ایستادگی در مقابل آن‌ها را در خود ندیده و بی مقاومت تسلیم شدند. آنان نیز با کمال گستاخی وارد حریم خدا گشته و دست به ویران نمودن آثار و شعائر اسلامی زدند. تمام قبه‌ها که در حول و حوش کعبه و بالای قبور بزرگان دینی بود از بین بردند و از مردم مکه خواستند که پس از این باید دستورالعمل‌های محمد بن عبدالوهاب را به عنوان دستورات اصیل دینی در میانشان مورد بحث و عمل قرار دهند^۲ و سپس در سال ۱۲۲۱ هجری دست به تخریب آثار اسلامی در مدینه و غارت اموال روضه مقدسه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زدند و آنچه که بود از جواهرات و اشیای نفیسه و قیمتی همه را بردند و قبه‌های قبور ائمه بقیع عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و سایر بزرگان اسلامی را ویران نمودند و مردم را از

از جامه‌های کهنه در میانشان پرتاپ کردند که خود را پیوشانند و پس از سیزده روز که به این وضع گذشت از آن‌ها پیمان گرفتند که به مسلک «وهابیت» تن در دهند. اموال غارت شده از شهر طائف که در میان بیابان به صورت کوه‌ها درآمد بود، پس از آن که یک پنجم آن به امیر و فرمانده لشکر اختصاص داده شد بقیه در میان اعراب نجد و یغماگران تقسیم گردید و سپس به فکر این که گنجینه‌هایی در خانه‌ها مدفون است، بار دیگر به کندن منازل و خانه‌ها و حتی مستراح‌ها پرداختند و شهر طائف را زیر و زبر کردند. قرآن‌ها و کتاب‌های حدیث و علوم از هر قبیل، در معابرو کوچه‌ها و زیر پای اسب‌ها و انسان‌ها ریخته و نابود ساختند.^۱

تسلط وهابیان بر «مکه» و «مدینه»

در سال ۱۲۱۸ هجری به منظور تصرف مکه و هدّم قبور بزرگان اسلام رو به مکه آوردند و چون

هجوم وهابیان به طائف

در ماه ذی‌قعدة سال ۱۲۱۷ حمله به «طائف» برده و آن شهر اسلامی را قتل عام کردند؛ تا آنجا که کودک شیرخوار را روی سینه مادرش سر بریدند. به مساجد یورش برده و نمازگزاران را در حال نماز کشتند؛ داخل خانه‌ها ریخته و هر که را که دیدند به قتل رسانیدند. جمعی از مردان سلحشور «طائف» به مقاومت ایستادند؛ تا سه روز جنگ و درگیری میانشان برقرار بود و سرانجام اهل طائف دست از جنگ کشیدند و امان خواستند. آن تبهکاران نیز عهد و پیمانی با آن‌ها بسته و با شرط خلع سلاح آنها را از کشته شدن «امان» دادند. اما تمام اموالشان را به غارت برده و حتی لباس از تنشان ربودند و آن بینوایان را برهنه و عریان و مکشوف‌العوره از مرد و زن به اجبار و اکراه از خانه‌ها به وسط بیابان کشیدند؛ تا آن که پس از چندی قسمتی

۱- کشف الارتیاب، صفحه ۱۸

۲- کشف الارتیاب، صفحات ۲۲ و ۲۳

۳- همان، صفحات ۳۴ و ۳۵

۴- همان، صفحه ۳۵

برگرفته از کتاب توسل، مرحوم آیت الله سید محمد ضیاء آبادی (ره) صفحه ۲۵۴ الی ۲۵۷

شهید سیدمرتضی آوینی

برگرفته از کتاب «سفر به سرزمین نور»، ص ۶-۹

ای بقیع، ای گنجینه دار فریاد

خطاب ما اینجا با عاشقان است
و با درد آشنایان
که این حکایت را دیگر هر دلی تاب شنیدن ندارد.
ای اشک، مهلتی
تا بازگویم حکایتی را که قرن‌هاست در سینه‌ام مستور مانده است
و درد آشنایی نیافته‌ام که این راز سر به مهر را با او زمزمه کنم.
اینجا گورستان بقیع است
و این خاک، گنجینه دار فریادی است
که قرن‌ها، ارباب جور آن را در سینه‌ام محبوس کرده‌اند
و هرچند اشک ما تاب مستوری نداشته است
اما این بار
این بغضی نیست که فقط با گریه باز شود
و این جراحت نه جراحی است که با مرهم اشک شور التیام یابد.
حکایت بقیع حکایت غربت است، غربت اسلام
و با که باید این راز را باز گفت
که اسلام در مدینه‌النبی از همه جا غریب‌تر است؟
خطاب ما اینجا با عاشقان است
و با درد آشنایان
که این حکایت را دیگر هر دلی تاب شنیدن ندارد.
ای چشم، خون ببار، تا حجاب از تو بردارند
و ببینی که این خاک
گنجینه دار نور است و مدفن عشق
و اینجا بقعه‌ای است از بُقاع بهشت
و آن نفخه‌ای که در بهشت روح می‌دمد
از سینه‌ی این خاک بر می‌آید
چرا که اینجا مدفن کلیدداران بهشت است
و اگر حجاب از گوش‌ها و چشم‌ها بردارند
طنین ناله‌ی کزوبیان را در ملکوت اعلی خواهی شنید
و خواهی دید که چگونه فرشتگان، بال در بال
جلوه‌های جاودانی رحمت خاص حضرت حق را بر این خاک گسترانیده‌اند.
ای بقیع مطهر
ای رازدار صدیق صدیقه اطهر
وای هم‌نوای مولا مهدی
آنگاه که غریبانه، آنجا به زیارت می‌آید.
ای بقیع مطهر، ای گنجینه دار نور

ای مدفن عشاق و ای حکایت‌گر غربت
به راستی این راز را با که باید گفت
که اسلام در مدینه‌النبی از همه جا غریب‌تر است؟
ای بقیع مطهر، منتظر باش،
اگر آنان توانستند که نور را در حبس کشند
تو هم غریب خواهی ماند.
ای بقیع، با ما سخن بگو،
با ما از رازهای سربه‌مهری که در سینه داری بگو
ای بقیع، ای هم‌نوای مولا مهدی
ای رازدار آن بار غریب
بگو آنجا چه می‌گذرد هنگامی که او به زیارت قبور می‌آید؟
بگو، با ما بگو،
لابد صدای گریه‌ی غریبانه‌ی آن یار مضطر را هنگامی که بر غربت اسلام می‌گرید شنیده‌ای؟
بگو، با ما بگو که حبيب ما
در رازگویی‌های علی‌وار خویش
و در مناجات‌های سجادانه‌اش چه می‌گوید؟
ای تربت مطهر
ای آن که بر تربت تو، جای جای
نشانه‌ی پای حبيب ما و اثر اشک‌های غریبانه او باقی است
ای هم‌نوای اَمْنِ یجیبِ مولا مهدی
ای مصداق طبتم و طابت الأرض التی فیها دفنتم*
ای کاش ما به جای خالی تو بودیم
و هنگامی که آن یار غایب از نظر به زیارت قبور می‌آمد
بر پای او بوسه می‌زدیم.
ای بقیع، ای تربت مطهر
ای کاش ما نیز چون تو می‌توانستیم که با آن محبوب
وقتی که اَمْنِ یجیب می‌خواند هم‌نوا شویم
و به راستی که اَمْنِ یجیب حکایت دل پرغصه‌اوست.
گوش کن ...
اَمْنِ یجیبِ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَا وَ یَكْشِفُ السُّوءَ وَ یَجْعَلُکُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ (سوره نمل، آیه ۶۲)
چرا که اوست مصداق اتم مضطر
و خلافت ارض میراثی است که به او باز می‌گردد.
و ای بقیع مطهر، منتظر باش،
اگر آنان توانستند که برای همیشه شمس را در غربت غروب نگاه دارند
تو نیز غریب خواهی ماند.

نمای ماندگار

کمال الدین شاهرخ، عکاس حج و دفاع مقدس



ISNA

PHOTO: ALREZA BAHRAMI

بسم الله نور
همه چیز تا به امروز در یک چشم به هم زدن اتفاق افتاد.
شور زیارت، نگرانی اعمال و مناسک حج، حضور در فضایی
که برایت رویا و دست نیافتنی بود.
به یک باره خود را در میان امواج نورانی بیت الله و حرم نبوی
و خاندان اهل بیت علیهم السلام در بقیع می بینیم.
آرزویی که جامع عمل پوشید و تو را در اقیانوس رحمت الهی
قرار داد تا به اندازه معرفت از آن سیراب شوی و هربار که
خود را در میان این امواج می بینی تشنه تر و حریص تر شوی.

و برخورد از طرف ماموران سعودی بودم
ولی هربار عزم نسبت به گذشته جزم تر
می شد تا بتوانم هر آنچه تاکنون توفیق
ضبط آن را نداشته‌ام، پیدا کنم.

در طول این بیست و چند سالی که در
این اماکن عکاسی می‌کنم بارها و بارها
دست عنایت ائمه معصومین علیهم السلام در
کارهایم مشاهده کرده‌ام و خدا را شاکرم که
تأثیرات معنوی این تصاویر به مخاطبان
نیز منتقل می‌گردد.

متأسفانه در طول این چندین سال
شاهد اتفاقات غم‌انگیزی بودم از محاصره
ساختمان بعثه و ضرب و جرح حاجیان و
سقوط از پل جمرات تا واقعه تأسف بار
فاجعه منا، که خود گویای مظلومیت
چندین هزار حاجی در لباس احرام و در
گرمای طاقت‌فرسای مکه و منطقه منا
بود.

این گوشه‌ای از سرگذشت کسی است
که با چشم‌سر عکاسی نمی‌کند بلکه
چشم‌دل را به سمت فضای روحانی این
اماکن باز کرده و عکاسی می‌کند.

چشم دل بازکن که جان بینی
آنچه نادیدنی است آن بینی
گر به اقلیم عشق روی آری
هم آفاق گلستان بینی

والسلام علیکم ورحمة الله

و شرایط و نور مناسب برای عکس‌هایم
انتخاب شود تا در لحظه عمل مردد به
تصمیم‌گیری نشوم.

حضور در مسجدالنبی و خصوصاً در
قبرستان بقیع باعث تغییراتی در انسان
می‌شود که مدتها از این انرژی بدست آمده
در محضر بزرگان بهره‌مند است. در طول
این سال‌ها عهد کردم به جهت حضور
در این اماکن، چشمانم را تمرین دهم تا
بر روی هر سوژه‌ای بی‌پروا قرار بگیرد و
برای وصول به حکمت باید خیلی چیزها
را ندید تا بتوان از دریچه چشم روحانی و
تقوای نگاه به تصاویری که تنها در خیال
مرور می‌شود دست پیدا کرد.

بارها برای من این اتفاق در مکه و
مدینه رخ داد صحنه‌های که تصور آن را
در مخیلات خودم نداشتم تنها با عنایت
ائمه هدی علیهم السلام امکان‌پذیر گشت و این
درک برای من حاصل می‌شد که تو نیستی
که از پشت دوربین این صحنه‌ها را ضبط
می‌کنی، بلکه این توفیق و اجازه‌ای است
که به من داده شده تا بتوانم با دوربین
صحنه‌هایی را عکاسی کنم که تاکنون
کمتر کسی از این زوایا عکاسی کرده است.
دشواری‌های انتظار در پشت بام
ساختمان‌های مدینه مشرف به قبرستان
بقیع و حرم نبوی موجب رضایتی می‌شد
که بعد از مراحل عکس‌برداری در من
بوجود می‌آمد. با اینکه بارها مورد اتهام

اولین سفر من به سرزمین وحی در سال
۱۳۷۳ اتفاق افتاد. شوقی که در آن قبل
از من به وجود آمده بود و لحظه‌شماری
می‌کردم تا به آرزویم برسم. آرزویی که
برای خیلی انسان‌های عاشق در طول
زندگی دست نیافتنی است و خیلی‌ها در
حسرت زیارت جان‌به‌جان آفرین تسلیم
می‌کنند.

همان سفر اول، با مأموریت عکس‌برداری
از حرمین آغاز شد و قرار بود تجربه‌ای را
به دست آورم که بعد از آن سفر نخست،
چهارده سفر حج و چندین سفر عمره
استمرار آن بود.

از يك طرف، محدودیت‌ها و ممانعت‌ها
و برخورد ماموران سعودی با افرادی مثل
من که دوربین به دست به دنبال ثبت
فضاهای دست نیافتنی بودند و از طرف
دیگر، من که تا آن لحظه آن فضا را تجربه
نکرده بودم، عشق و شوری را به هم
پیچیده بود.

همیشه احتیاط را شرط عقل می‌دانستم
اما به دنبال زوایایی بودم که کمتر کسی
به آن پرداخته باشد و این زحمت و رنج
را به خود می‌دادم تا بتوانم بهترین
زاویه، کادربندی و موقعیت زمانی را برای
عکس‌هایم انتخاب کنم.

اولین حضور من در مدینه منوره با احتیاط
و بدون دوربین انجام شد. اصولاً اعتقاد
داشتم که باید قبل از اقدام تمام زوایا

گرچه ویران شد، جلال و کبریا دارد بقیع

در جهان هم شان و همتایی کجا دارد بقیع
نور چشمان رسول، پور دلبند بتول
خلق شد عالم ز یمن خلقت آل عبا
همدم دلدادگان و محرم محراب راز
حاصل آیات قرآن باقر علم رسول
صادق آل محمد، ناشر احکام حق
در نظر آید زمین بر چرخ سنگینی کند
گرچه تاریک است و در ظاهر ندارد یک چراغ
سایه ها نجوا کند بر مدفن این چهار تن
سربه دیوارش زند هر کس از اینجا بگذرد
چار معصومند و دورند از حریم جدشان
می کند محکوم ظالم را به هر دور و زمان
بشنو از این قبرها بانگ انا مظلوم را
تا شود ثابت که نور حق نمی گردد خموش
نالۀ ام البنین با اشک زهرا همدم است
چون که یکجا چار محبوب خدا دارد بقیع
صادق و سجاد و باقر، مجتبی دارد بقیع
یک تن از آن پنج تن آل عبا دارد بقیع
هست زین العابدین، بنگرچه ها دارد بقیع
وارث فضل و کمال انبیاء دارد بقیع
دین و دانش را رئیس و پیشوا دارد بقیع
بس که خاکش گوهر سنگین بها دارد بقیع
همچو ایوان نجف نور و صفا دارد بقیع
گرده شب گیسو پریشان یا عزا دارد بقیع
در سکوتش ناله ها و گریه ها دارد بقیع
شکوه ها از دشمنان مصطفی دارد بقیع
گفته ها با زائران آشنا دارد بقیع
تا که مهدی باز آید این ندا دارد بقیع
گرچه ویران شد، جلال و کبریا دارد بقیع
در غبار غم جمال کربلا دارد بقیع

مرحوم حبیب الله چایچیان (حسان)





زائران محترم، برای مطالعه یا بارگیری (دانلود) اکثر کتاب‌های ذیل بر تصویر کتاب مقابل کلیک فرمایید.

معرفی برخی کتاب‌های پژوهشکده حج و زیارت درباره بقیع



بقیع در بستر تاریخ

محمد امین پورامینی، ترجمه حسن سجادی پور
این کتاب ترجمه کتاب بااهمیت بقیع غرقد است که نگاهی دقیق، گسترده و فراگیر به بقیع دارد و در دوازده فصل تنظیم شده است. عناوین فصول کتاب عبارت‌اند از: دانستنی‌های بقیع، بوستان بقیع یا بقیع الغرقد، پیامبر خدا ﷺ و بقیع، عترت پیامبر ﷺ و بقیع، صحابه و بقیع، مشاهیر مدفون در بقیع، امامان بقیع ﷺ فضیلت زیارت امامان بقیع ﷺ دیگر دفن شدگان در بقیع اماکن موجود در بقیع، وقایع بقیع، بقیع در شعر عربی. در انتهای کتاب نیز مجموعه‌ای از ۴۲ تصویر قدیمی و جدید از قبرستان بقیع که در منابع مختلف بوده، گردآوری و به صورت رنگی عرضه شده است.
کتاب «بقیع در بستر تاریخ» در ۳۵۲ صفحه و در قطع وزیری توسط نشر مشعر منتشر شده است.



آرمیدگان در بقیع

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر نوایی
این کتاب، مجموعه مقالات منتشر شده در ۱۸ شماره نشریه میقات حج است که با عنوان «خفتگان در بقیع» طی سالیان اخیر در این مجله منتشر شده است. در این مقالات که به صورت سلسله‌وار از شماره ۶۵ این نشریه منتشر شده و تاکنون نیز ادامه دارد، صحابه و بزرگان مدفون در بقیع معرفی شده‌اند. در این کتاب، این مقالات با تدوین مجددی در پنج بخش دسته‌بندی شده‌اند. فصل اول: بقیع و جایگاه آن؛ فصل دوم: صحابه راستین پیامبر ﷺ؛ فصل سوم: دیگر صحابه پیامبر؛ فصل چهارم: وابستگان و خویشاوندان پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ؛ فصل پنجم: همسران پیامبر ﷺ.



غربت بقیع

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی قاضی عسکر کتاب، مسئله تخریب زیارتگاه‌های بقیع به دست وهابیان و تلاش‌های انجام‌شده برای بازسازی آن را موضوع بررسی قرار داده است. مبنای این کتاب، اثر دیگری از همین مؤلف به نام تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد است که با مساعی مؤلف محترم در شناسایی، گردآوری و بازخوانی اسناد و گزارش‌های متعدد، در قالب و حجم جدید ارائه شده است. پنج فصل کتاب عبارت‌اند از: پیشینه و مدفونین در بقیع، امرای مکه و چگونگی روی کار آمدن آل سعود، تخریب آثار اسلامی مکه و مدینه، اقدامات انجام‌شده برای تعمیر و بازسازی بقیع و پیشینه بقیع در سفرنامه‌های حج دوره قاجاریه.
از نقاط قوت کتاب، استفاده گسترده از اسناد تاریخی است که در انتهای کتاب پیوست گردیده است.
کتاب «غربت بقیع» از سوی نشر مشعر در ۵۴۴ صفحه به قطع وزیری، منتشر گردیده است.



بقیع در آینه تاریخ

این کتاب شامل هشت مقاله درباره بقیع و ابعاد آن است که قبلاً در فصلنامه میقات حج منتشر شده است. اطلاعات مقالات عبارتند از: مزار بقیع نوشته علی اکبر حسنی؛ تخریب بقیع به روایت اسناد نوشته سیدعلی قاضی عسکر؛ تاریخ حرم ائمه بقیع نوشته محمدصادق نجمی؛ حرم جناب ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ نوشته محمدصادق نجمی؛ حرم همسران و دختران رسول خدا ﷺ نوشته محمدصادق نجمی؛ بقعه عقیل بن ابی طالب و ابوسفیان بن حارث نوشته محمدصادق نجمی؛ بقعه حلیمه سعدیه و صفیه عمه رسول خدا ﷺ نوشته محمدصادق نجمی؛ بقعه اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام نوشته محمدصادق نجمی.
کتاب بقیع در آینه تاریخ: در گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت تهیه شده توسط نشر مشعر در ۲۸۴ صفحه و در قطع وزیری منتشر شده است.

نگارخانه بقیع

